

A Sociological Study of Factors Underpinning Social Hope Among Citizens of Ilam City: A Structural Equation Modeling Approach¹

Mahin Hosseinitabar

Ph.D. Student of Sociology, Kashan University, Kashan, Iran

Mohsen Niazi

Professor of Sociology, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran

Received: 5 August 2025 Revised: 21 December 2025 Accepted: 22 December 2025

Abstract

Social hope is a key factor underpinning the sustainability of social cohesion and civic participation. The present study aims to identify factors affecting social hope in Ilam and presents a conceptual model for its explanation. The research method was descriptive-correlational, and the data were collected using a researcher-made questionnaire, which included five components: economic, political, social, environmental, and family, from 259 people in Ilam who were selected using a convenience sampling method. The data were analyzed using structural equation modelling (SEM) and PLS software. The results suggested that the conceptual model of study displayed adequate statistical fit (RMSEA=0.04, GFI=0.93), and that all independent variables had a positive and significant effect on social hope, although the intensity of these effects varied. Path analysis showed that social factors, having the highest effect coefficient ($\gamma=0.28$), are the most significant predictors of social hope, followed by the economic ($\gamma=0.22$), family ($\gamma=0.21$), environmental ($\gamma=0.19$) and political ($\gamma=0.15$) factors, respectively. These factors were all significant at the level of 0.001. The findings suggest that social hope in the study population is primarily driven by social networks, family relationships, and lived economic experiences rather than by

1. This paper is extracted from the first author's doctoral dissertation submitted to Kashan University.

2. Corresponding Author. Email: niazim@kashanu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Hosseinitabar, M. and Niazi, M. (2025). A Sociological Study of Factors Underpinning Social Hope Among Citizens of Ilam City: A Structural Equation Modeling Approach. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 22(3), 209-241. Doi: 10.22067/social.2025.94282.1658

political trust or formal institutions. The results indicate that social hope is a multidimensional factor arising from the interaction of micro, meso, and macro factors, and that the deterioration of formal institutions can move sources of hope to non-institutional domains. Therefore, rebuilding social hope requires multi-layered policies in the economic, social, environmental, and institutional spheres, as well as the strengthening social capital, distributive justice, and public trust.

Keywords: Social Hope, Ilam, Economic Factors, Political Factors, Environmental Factors, Family Factors.

مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امید اجتماعی شهروندان شهر ایلام با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱

مهین حسینی تبار (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران)

mahinhosseinitabar@gmail.com

محسن نیازی (استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول)

niazim@kashanu.ac.ir

چکیده

امید اجتماعی از جمله مؤلفه‌های کلیدی در پایداری انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر امید اجتماعی در شهر ایلام و ارائه مدلی مفهومی برای تبیین آن انجام شد. روش تحقیق توصیفی-همبستگی بود و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته مبتنی بر پنج مؤلفه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و خانوادگی از ۲۵۹ نفر از شهروندان ایلامی که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند، گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS انجام گرفت. نتایج نشان داد که مدل مفهومی پژوهش از برازش آماری مناسبی برخوردار است (RMSEA=0.04)، (GFI=0.93) و همه متغیرهای مستقل تأثیر مثبت و معناداری بر امید اجتماعی دارند، هرچند شدت این تأثیرها متفاوت است. تحلیل مسیر نشان داد عوامل اجتماعی با بیشترین ضریب اثر ($\gamma=0.28$) مهم‌ترین تبیین‌کننده امید اجتماعی هستند و پس از آن به‌ترتیب عوامل اقتصادی ($\gamma=0.22$)، خانوادگی ($\gamma=0.21$)، زیست‌محیطی ($\gamma=0.19$) و سیاسی ($\gamma=0.15$) قرار دارند که همگی در سطح ۰.۰۰۱ معنادار بودند. یافته‌ها بیانگر آن است که امید اجتماعی در جامعه مورد مطالعه بیش از آنکه مبتنی بر اعتماد سیاسی یا نهادهای رسمی باشد، از شبکه‌های اجتماعی، روابط خانوادگی و تجربه‌های زیسته اقتصادی تغذیه

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه کاشان است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳، صص ۲۴۱-۲۰۹

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که امید اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی و برآمده از تعامل عوامل خرد، میانه و کلان است و تضعیف نهادهای رسمی می‌تواند به انتقال منابع امید به حوزه‌های غیرنهادی منجر شود؛ از این رو بازسازی امید اجتماعی مستلزم سیاست‌گذاری‌های چندلایه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی و تقویت سرمایه اجتماعی، عدالت توزیعی و اعتماد عمومی است.

واژگان کلیدی: امید اجتماعی، ایلام، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل زیست‌محیطی، عوامل خانوادگی.

۱. مقدمه

امید اجتماعی یکی از مؤلفه‌های بنیادین در حفظ پویایی، انسجام و تاب‌آوری جوامع انسانی است. این مفهوم، ناظر بر میزان باوری است که اعضای جامعه نسبت به امکان بهبود شرایط، تحقق آینده‌ای بهتر و اثربخشی کنش جمعی دارند. امید اجتماعی برخلاف امید فردی، یک پدیده بین‌الذهانی و ساختاری است که هم به بُعد ادراکی فرد و هم به بُعد کنشی جمعی جامعه مرتبط می‌شود. به عبارت دیگر، امید اجتماعی هنگامی پدید می‌آید که افراد نه تنها به بهبود وضعیت شخصی خود، بلکه به بهبود شرایط کلان جامعه و توانایی جمعی برای تحقق آن باور دارند. در جوامعی که امید اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد، شهروندان نه تنها خود را در برابر مسائل ناتوان نمی‌بینند، بلکه در فرآیند اصلاح، توسعه و پیشرفت مشارکت فعال دارند. مشارکت سیاسی، کنشگری مدنی، اعتماد به نهادهای رسمی و افزایش سرمایه اجتماعی از جمله پیامدهای مثبت افزایش امید اجتماعی در یک جامعه‌اند. در مقابل، افت امید اجتماعی با بی‌تفاوتی، احساس بی‌قدرتی، کاهش تعلق اجتماعی، فرسایش سرمایه اجتماعی، رشد تمایلات مهاجرتی، گسترش خشونت اجتماعی و در نهایت، تضعیف انسجام و امنیت ملی همراه است (مختار و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۷).

در بستر کنونی جامعه ایران، نشانه‌های متعددی از کاهش امید اجتماعی در میان اقشار مختلف قابل مشاهده است. افزایش مهاجرت نخبگان، فرار سرمایه انسانی، رشد نرخ افسردگی و اختلالات روانی، بی‌اعتمادی نسبت به آینده، کاهش مشارکت سیاسی، افزایش اعتراضات خاموش و بی‌تفاوتی

اجتماعی نسبت به امور عمومی، همگی از نشانه‌های بارز بحران امید اجتماعی در شرایط کنونی‌اند. این وضعیت، به‌ویژه در میان نسل‌های جوان و تحصیل‌کرده، شدت بیشتری یافته و نوعی «احساس افق‌بسته» را در ذهن جمعی تقویت کرده است. در سال‌های اخیر، بسیاری از پژوهش‌ها و گزارش‌های نهادی از کاهش سطح امید اجتماعی در جامعه ایران حکایت دارند (کلانتری و همکاران، ۱۴۰۱؛ مختار و همکاران، ۱۴۰۲). این کاهش، در سایه بروز بحران‌های چندوجهی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی، از سطح فردی فراتر رفته و به یک مسئله جمعی بدل شده است. نارضایتی عمومی، عدم شفافیت سیاست‌گذاری‌ها، فساد سیستماتیک، کاهش مشروعیت نهادها، اختلال در چرخه توزیع فرصت و احساس تبعیض گسترده، از جمله عواملی هستند که در این روند مؤثر بوده‌اند. علاوه بر بحران‌های اقتصادی، گسست نسلی، ناامیدی نسبت به تغییر، احساس ناتوانی در کنش جمعی، از هم‌گسیختگی فرهنگی و کاهش سرمایه اجتماعی، فضای ذهنی جامعه را با نوعی بی‌افقی، انزوا و بی‌تفاوتی فراگرفته‌اند. در سطح کلان نیز عدم ثبات سیاسی، انسداد ساختاری در گفت‌وگو بین دولت و ملت و بی‌ثباتی محیط‌زیستی (مانند بحران آب و ریزگردها) احساس آینده‌پذیری را تضعیف کرده‌اند. این شرایط، باعث شده بسیاری از شهروندان آینده‌ای روشن را برای خود و فرزندان‌شان متصور نباشند، یا امکان تأثیرگذاری بر وضعیت موجود را منتفی بدانند (رفیعی و همکاران، ۱۴۰۱).

عوامل متعددی در شکل‌گیری یا فرسایش امید اجتماعی نقش دارند. پژوهش‌های نظری و تجربی متعددی به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای اقتصادی، نظیر بیکاری، تورم، نابرابری و فساد، مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده امید به آینده‌اند (رورتی^۱: ۲۰۰۰؛ اینگلهارت^۲: ۱۹۹۷). در کنار آن، سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی، شفافیت و پاسخ‌گویی حکومت، مشارکت شهروندان، عدالت اجتماعی و سلامت

1. Richard Rorty

2. Ronald Inglehart

روانی جامعه نیز از عوامل زمینه‌ساز افزایش یا کاهش امید اجتماعی‌اند (نورتون و بلیک^۱، ۲۰۱۹؛ پاتنام^۲، ۲۰۰۱). در ادبیات داخلی نیز پژوهش‌هایی همچون فاضلی (۱۳۹۸)، طاهری‌دمنه و کاظمی (۱۳۹۹) و مختار و همکاران (۱۴۰۲) بر تأثیر متقابل ساختارهای سیاسی، رسانه‌ای، فرهنگی و خانوادگی بر ادراک امید اجتماعی تأکید داشته‌اند. در چنین شرایطی، مطالعه نظام‌مند امید اجتماعی، نه به مثابه یک مؤلفه احساسی صرف، بلکه به عنوان یک شاخص کلیدی برای سنجش کیفیت حکمرانی، عدالت توزیعی و انسجام ملی، از اهمیت راهبردی برخوردار است. از این رو، نیاز است پژوهشی میان‌رشته‌ای و تحلیلی، ابعاد مختلف مؤثر بر امید اجتماعی را در سطح کلان بررسی کند و سازوکارهای علی این پدیده را در قالب مدل مفهومی دقیق تبیین نماید.

شهر ایلام به عنوان مرکز استان ایلام، با جمعیتی بالغ بر ۱۹۵ هزار نفر (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)، یکی از مناطق مرزی غرب کشور است که از ویژگی‌های قومیتی، جغرافیایی و تاریخی خاصی برخوردار است. این منطقه با چالش‌های متعددی از جمله نرخ بالای بیکاری، فقر ساختاری، مهاجرت نخبگان، ضعف زیرساخت‌های توسعه‌ای و احساس تبعیض ساختاری مواجه است (فرخ‌نژاد کشکی و همکاران، ۱۳۹۷؛ عبدلهی، ۱۳۹۹). براساس آمارهای رسمی، نرخ بیکاری در استان ایلام در سال‌های اخیر همواره بالاتر از میانگین کشوری بوده و فرصت‌های اقتصادی پایدار، به‌ویژه برای جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بسیار محدود بوده است (امیدی، ۱۴۰۰). علاوه بر بحران‌های اقتصادی، ایلام با بحران‌های زیست‌محیطی نظیر خشکسالی، فرسایش منابع آبی و گسترش پدیده ریزگردها روبه‌رو است. گزارش‌های محیط‌زیستی سازمان حفاظت محیط زیست نشان می‌دهند که این استان در زمره آسیب‌پذیرترین مناطق کشور از حیث شاخص‌های تاب‌آوری زیست‌محیطی قرار دارد (مکوندی و بهزادی، ۱۴۰۰). این شرایط نه تنها کیفیت زندگی روزمره را مختل کرده، بلکه حس کنترل‌پذیری و آینده‌نگری را نیز در میان شهروندان تضعیف کرده است؛ عاملی که در ادبیات

1. Norton & Blake

2. Putnam

تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان یکی از بنیان‌های اصلی امید اجتماعی تلقی می‌شود (نوریس^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، تجربه تاریخی جنگ تحمیلی، نزدیکی به مرز و ساختار تمرکزگرایانه تصمیم‌گیری در کشور، نوعی احساس حاشیه‌نشینی سیاسی و مدنی در میان شهروندان این منطقه ایجاد کرده است. برخی مطالعات نشان می‌دهند که احساس نادیده‌انگاشته شدن از سوی نظام تصمیم‌گیری مرکزی، با کاهش مشارکت مدنی و ضعف در اعتماد نهادی همراه بوده است (مختار و همکاران، ۱۴۰۲؛ کلانتری و همکاران، ۱۴۰۱). با در نظر گرفتن این زمینه‌های ساختاری و ذهنی، مطالعه امید اجتماعی در شهر ایلام که همواره بالاترین آمار خودکشی و دگرکشی را داشته است، ضرورتی دوجندان می‌یابد. درواقع، ایلام را می‌توان نمونه‌ای عینی از وضعیت «انباشتی از بحران‌ها» دانست که در آن، عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌صورت متقاطع، بر شکل‌گیری یا فرسایش امید اجتماعی اثرگذارند. این پژوهش، با تمرکز بر این بستر خاص، می‌کوشد تصویری روشن از ابعاد گوناگون مسئله امید اجتماعی در جامعه‌ای به‌نسبت حاشیه‌ای و کمتر مطالعه‌شده ارائه دهد.

پرسش اساسی این پژوهش آن است که چه عواملی بر امید اجتماعی در میان شهروندان شهر ایلام مؤثرند؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم رویکردی تحلیلی و چندمتغیره است؛ زیرا امید اجتماعی، یک متغیر روانی ساده نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده‌ی مؤلفه‌های ساختاری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی است. در ادبیات داخلی، غالب پژوهش‌ها یا توصیفی و مقطعی‌اند یا فاقد رویکرد نظری منسجم. بسیاری از آن‌ها از چارچوب‌های آماری ساده استفاده کرده‌اند و توانایی تبیین روابط پیچیده بین متغیرهای پنهان را ندارند. بنابراین، یک پژوهش تحلیلی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌تواند خلأ روش‌شناختی موجود را پر کرده و به فهم دقیق‌تر این پدیده یاری رساند. براین‌اساس، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری و چارچوب نظری تلفیقی از رورتنی، پاتنام و اینگلهارت، می‌کوشد تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی (مانند تورم،

بیکاری و فساد)، اجتماعی (مانند سرمایه اجتماعی، شادی و دینداری)، سیاسی (مانند مردم سالاری، پارتی بازی، بی ثباتی) و زیست محیطی (مانند بحران آب و ریزگردها) را بر میزان امید اجتماعی تحلیل کرده و سازوکارهای میانجی و زمینه‌ای آن را تبیین کند.

۲. مبانی نظری تحقیق

پیشینه پژوهش در زمینه امید اجتماعی، به‌ویژه در بافت ایران، طیف متنوعی از دیدگاه‌های نظری و یافته‌های تجربی را در بر می‌گیرد. فاضلی (۱۳۹۸) در تحلیل خود از مفهوم امید اجتماعی، آن را با ظرفیت‌های ساختاری جامعه برای حرکت پیوند می‌زند. او بر این باور است که بسیاری از تعاریف ارائه شده در ادبیات داخلی، دچار نوعی فروکاهش گرایی روان‌شناختی شده‌اند و از تحلیل قابلیت‌های ساختاری و اجتماعی ناتوان مانده‌اند. برخی از نویسندگان دیگر نیز با تکیه بر عامل محوری صرف، از نقش شرایط نهادی و ساختار قدرت در شکل‌گیری یا تضعیف امید اجتماعی غافل مانده‌اند.

در مقاله‌ای با عنوان «پروبلماتیک امید اجتماعی در ایران»، طاهری‌دمنه و کاظمی (۱۳۹۹) با استفاده از روش تحلیل محتوای عرفی، آثار متفکران ایرانی را در زمینه امید اجتماعی بررسی کرده‌اند. آنان پنج مقوله اصلی شامل «عاملیت»، «افسون‌زدایی از امید»، «مشارکت شهروندی»، «امید به‌مثابه امر مشترک» و «نسبت امید با ساختار حاکمیت» را از میان متون تحلیل شده استخراج کردند. این پژوهش بر اهمیت بازتعریف امید اجتماعی از سطح نخبگان به سطح عامه مردم و نهادهای مدنی تأکید دارد. کلانتری و همکاران (۱۴۰۳) نیز با رویکردی داده‌بنیاد، به بازنمایی امید اجتماعی در رسانه‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که مفاهیمی چون «شادی»، «آینده‌نگری»، «توسعه مشارکتی» و «حمایت نهادی» در ساخت معنایی امید اجتماعی رسانه‌محور نقش ایفا می‌کنند. آنان الگویی تعاملی از تعامل میان نهادهای سیاست‌گذار و رسانه‌ها برای تولید گفتمان امید ارائه کردند.

همچنین، مختار و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با رویکرد میدانی، به تحلیل دوگانه «یأس و امید» در دولت دوازدهم پرداختند. این پژوهش، شکاف موجود میان مفاهیمی چون «بیگانگی

اجتماعی»، «نارضایتی» و «بحران فرصت» در برابر «پویایی»، «پیشرفت» و «کارآمدی» را شناسایی و بررسی کرده است. این دوگانه معنایی، از یک سو بازتابی از شرایط اجتماعی و روانی جامعه است و از سوی دیگر بر سیاست‌گذاری و مشروعیت ساختار قدرت تأثیرگذار است.

مورگان^۱ (۲۰۱۶) با تحلیل سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها نشان داد که کاهش اعتماد سیاسی و ناکارآمدی حکمرانی، موجب افت محسوس سطح امید اجتماعی در کشورهای توسعه‌نیافته می‌شود. در دیدگاه او، نهادهای سیاسی اگر از شفافیت، پاسخ‌گویی و توزیع منصفانه فرصت‌ها فاصله بگیرند، مردم احساس عاملیت خود را از دست می‌دهند و امید به آینده در آن‌ها فرومی‌ریزد. همچنین، ماسیوک^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «امید به مثابه ابزار شکل‌گیری هویت اجتماعی»، به نقش امید در انسجام گروه‌های مهاجر و تقویت پیوندهای اجتماعی پرداخت. او نشان داد که گروه‌های در حاشیه‌مانده، در صورت بهره‌مندی از روایت‌های امیدوارانه جمعی، توان بیشتری در مواجهه با محرومیت‌ها و بازسازی سرمایه روانی دارند. از این منظر، امید اجتماعی به عنوان سازوکاری برای تاب‌آوری فرهنگی و بازسازی هویت جمعی در شرایط بحران عمل می‌کند.

پژوهش حاضر از جهات متعددی دارای نوآوری نظری و روش‌شناختی نسبت به مطالعات پیشین در حوزه امید اجتماعی است. نخست آنکه، برخلاف اغلب مطالعات انجام‌شده در ایران که امید اجتماعی را عمدتاً در چارچوب‌های روان‌شناختی یا به صورت مقطعی و توصیفی بررسی کرده‌اند (امیری‌اسفرجانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ خانیکی، ۱۳۹۸). این پژوهش با اتکا به نظریه‌های میان‌رشته‌ای و تلفیق دیدگاه‌های فلسفی، جامعه‌شناختی، محیط‌زیستی و روانی، مدلی تحلیلی، ترکیبی و چندبعدی از امید اجتماعی ارائه می‌دهد. چارچوب نظری پژوهش با بهره‌گیری هم‌زمان از نظریه‌های ریچارد رورتی (امید به مثابه پروژه‌ای دموکراتیک)، پاتنام و بوردیو (سرمایه اجتماعی)، اینگلهارت (تحول ارزش‌ها) و نظریه تاب‌آوری اجتماعی طراحی شده است که در کمتر پژوهشی در این حوزه دیده

1. Morgan

2. Masiuk

می‌شود. دوم آنکه، این مطالعه در سطح روش‌شناسی نیز نوآوری قابل توجهی دارد؛ چراکه به جای استفاده از آزمون‌های آماری ساده، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) برای تحلیل روابط بین متغیرهای پنهان بهره گرفته است. این روش نه تنها امکان بررسی هم‌زمان چندین متغیر را فراهم می‌سازد، بلکه به محقق اجازه می‌دهد تا مدل مفهومی خود را با داده‌های تجربی به طور دقیق آزمون کرده و برازش آن را به صورت کمی ارزیابی کند (هیر^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). استفاده از نرم‌افزار PLS در این پژوهش، روشی پیشرفته و معتبر در علوم اجتماعی محسوب می‌شود که دقت و تعمیم‌پذیری نتایج را افزایش می‌دهد. سوم آنکه، جامعه مورد مطالعه یعنی شهر ایلام، تاکنون کمتر به عنوان بستر پژوهش در حوزه امید اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که ایلام از نظر اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دارای ویژگی‌های خاص و چالش‌برانگیزی است که آن را به نمونه‌ای مهم برای تحلیل امید در بافت‌های حاشیه‌ای ایران تبدیل می‌کند. از این رو، می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر ضمن پاسخ‌گویی به یک نیاز نظری در ادبیات علمی، خلأهای تجربی موجود را نیز تا حدی پوشش داده است. در مجموع، پژوهش پیش‌رو با طراحی مدلی مفهومی مبتنی بر نظریه‌های بنیادین، بهره‌گیری از روش تحلیل پیشرفته و تمرکز بر یک بافت اجتماعی خاص، گامی نوآورانه در مسیر فهم جامعه‌شناختی امید اجتماعی در ایران برداشته است. در مجموع، پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم غنای نسبی مطالعات کیفی در حوزه امید اجتماعی، همچنان خلأهایی در زمینه تبیین علی، ساختارمندی نظری و مدل‌سازی تحلیلی در ادبیات داخلی به چشم می‌خورد. پژوهش حاضر، با هدف پر کردن این خلأ، درصدد ارائه مدلی مفهومی و تجربی برای تحلیل عوامل مؤثر بر امید اجتماعی در بستر جامعه ایران است.

امید اجتماعی مفهومی چندلایه و میان‌رشته‌ای است که از زوایای فلسفی، جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی قابل تبیین است. این مفهوم به باور جمعی افراد درباره امکان بهبود شرایط،

کنش‌پذیری در برابر مشکلات و چشم‌انداز آینده‌ای بهتر اشاره دارد. در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا با اتکا به نظریه‌های بنیادین در حوزه علوم اجتماعی، تبیینی نظری از عوامل مؤثر بر امید اجتماعی ارائه شود. ریچارد رورتی، فیلسوف پراگماتیست آمریکایی، در آثار خود به‌ویژه کتاب «*Social Hope*»، امید اجتماعی را پروژه‌ای فرهنگی و سیاسی می‌داند. از نگاه او، امید اجتماعی زمانی معنا می‌یابد که مردم به آینده‌ای بهتر باور داشته و خود را در ساخت آن شریک بدانند. رورتی میان امید فردی (مذهبی، اخلاقی) و امید اجتماعی (مدرن، دموکراتیک) تفاوت قائل است. او بر ساخت روایت‌های مشترک، مشارکت دموکراتیک، زبان همدلی و عاملیت انسانی به‌عنوان عوامل بنیادین شکل‌گیری امید اجتماعی تأکید دارد. جامعه‌ای که گفت‌وگو را سرکوب کرده، روایت آینده را از دست داده و کنش شهروندی را بی‌اثر می‌داند، دچار فرسایش امید خواهد شد (رورتی، ۱۹۹۹: ۵۲-۴۵).

در تبیین روابط اجتماعی به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی امید اجتماعی، نظریه سرمایه اجتماعی در دیدگاه‌های رابرت پاتنام و پیر بوردیو نقش کلیدی ایفا می‌کند. پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد، هنجارهای متقابل و شبکه‌های مدنی می‌داند. در جوامعی که سرمایه اجتماعی بالاست، افراد به همکاری، مشارکت و آینده‌سازی تمایل بیشتری دارند و سطح امید بالاتر است. در مقابل، بوردیو سرمایه اجتماعی را منبعی نابرابر می‌داند که از طریق عضویت در شبکه‌های معتبر اجتماعی به دست می‌آید. از دیدگاه او، عدم دسترسی گروه‌های فرودست به این شبکه‌ها موجب تضعیف حس کنش‌گری و در نتیجه کاهش امید اجتماعی می‌شود. در ترکیب این دو دیدگاه می‌توان گفت: سرمایه اجتماعی، چه به‌عنوان منبع قدرت (بوردیو) و چه به‌عنوان عامل مشارکت (پاتنام)، زیربنای حیاتی برای شکل‌گیری یا فرسایش امید اجتماعی است (پاتنام، ۲۰۰۰ و بوردیو، ۱۹۸۶).

رونالد اینگلهارت، با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، نشان داد که تحول ارزش‌ها از مادی به فرامادی، وابسته به سطح توسعه اقتصادی، امنیت وجودی و ثبات سیاسی است. او بیان می‌کند که در جوامع امن و توسعه‌یافته، شهروندان از نیازهای زیستی عبور کرده و به سمت ارزش‌هایی چون خودابرازی، مشارکت، دموکراسی و اعتماد حرکت می‌کنند. در نگاه اینگلهارت، امید اجتماعی حاصل امنیت اقتصادی، آزادی مدنی، فرصت برابر و اعتماد به نهادهاست. در جوامعی که بی‌ثباتی، تبعیض و انسداد مشارکت حاکم باشد، ارزش‌های بقا جای ارزش‌های تعالی را می‌گیرد و امید اجتماعی کاهش می‌یابد (ارغندی و خضری، ۱۳۹۵).

یورگن هابرماس^۱ در نظریه کنش ارتباطی خود، بر نقش ارتباط بین‌الذهانی، گفت‌وگو و فضای عمومی در شکل‌گیری نظم اجتماعی تأکید دارد. او معتقد است که جامعه زمانی از امید برخوردار است که شهروندان بتوانند به‌طور برابر و آزاد در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند و با یکدیگر به تفاهم برسند. در این چارچوب، امید اجتماعی از دل مشارکت دموکراتیک، شفافیت، اعتماد بین‌فردی و امکان گفتگو در فضای عمومی زاده می‌شود. در نقطه مقابل، وقتی جامعه دچار انسداد گفت‌وگویی و بحران مشروعیت می‌شود، امید اجتماعی فرومی‌ریزد. درواقع، به‌زعم هابرماس، «افق آینده» محصول تعامل جمعی و زبان عقلانی مشترک است (هابرماس، ۱۳۸۳: ۳۰-۶۰).

ریچارد رورتی (۲۰۰۰) فیلسوف عمل‌گرای معاصر، امید اجتماعی را به‌مثابه پروژه‌ای جمعی می‌داند که تنها در بستر دموکراسی، مشارکت شهروندی، و گفت‌وگوی آزاد تحقق می‌یابد (رورتی، ۲۰۰۰: ۱۳). زورنازی (۲۰۰۲) نیز تأکید دارد که امید اجتماعی نه یک حس فردی، بلکه سازوکاری برای سازمان‌دهی کنش جمعی در جهت تغییر اجتماعی است (زورنازی، ۲۰۰۲: ۴۹). امید در دل بحران نظریه تاب‌آوری اجتماعی که در دهه‌های اخیر توسط پژوهشگرانی مانند نوریس^۲، واکر^۳ و

1. Jurgen Habermas

2. Norris

3. Walker

آدگر^۱ توسعه یافته، بر توانایی جامعه در بازسازی خود در برابر بحران‌ها تأکید دارد. تاب‌آوری نه به معنای بازگشت صرف، بلکه به معنای یادگیری، سازگاری و بهبود پس از فشارهای مزمن یا ناگهانی است. در این دیدگاه، جامعه‌ای که دارای پیوندهای قوی اجتماعی، اعتماد به نهادها و روایت‌های هویتی پایدار باشد، می‌تواند در دل بحران نیز امید را حفظ کند. به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات زیست‌محیطی، فقر یا بحران‌های سیاسی، توانایی جامعه در بازیابی حس کنترل، پیش‌بینی‌پذیری و کنش‌گری، شرط بقای امید اجتماعی است. تطبیق نظری مؤلفه‌های پژوهش با نظریه‌های بنیادین در این پژوهش، پنج مؤلفه اصلی به‌عنوان پایه‌های سنجش امید اجتماعی در پرسشنامه در نظر گرفته شده‌اند. این مؤلفه‌ها با تکیه بر نظریه‌های پیش‌گفته، به شرح زیر تبیین می‌شوند:

۱- وضعیت اقتصادی: براساس نظریه اینگلههارت، امنیت اقتصادی و ثبات معیشتی شرط اولیه شکل‌گیری امید به آینده است. توسعه پایدار و فرصت‌های شغلی، به ایجاد ارزش‌های فرامادی از جمله امید و مشارکت منجر می‌شود.

۲- عوامل سیاسی: با تکیه بر نظریه رورتی و هابرماس، مشارکت دموکراتیک، آزادی بیان، امکان نقد و شفافیت نهادی از ارکان تولید امید سیاسی‌اند. سرکوب مشارکت یا انسداد گفت‌وگویی، موجب بی‌افقی و یأس اجتماعی می‌شود.

۳- روابط اجتماعی: نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و بوردیو، این مؤلفه را به‌خوبی تبیین می‌کند. پیوندهای اجتماعی افقی و عمودی، حس تعلق، اعتماد و حمایت متقابل را تقویت می‌کنند که همه عناصر حیاتی امید اجتماعی‌اند.

۴- عوامل زیست‌محیطی: نظریه تاب‌آوری اجتماعی این مؤلفه را توضیح می‌دهد. در جامعه‌ای که نسبت به محیط طبیعی احساس تهدید و بی‌پناهی وجود دارد، امید کاهش می‌یابد، اما اگر مردم احساس کنترل و واکنش‌پذیری داشته باشند، امید حفظ می‌شود.

۵- روابط خانوادگی: این مؤلفه بر مبنای سرمایه اجتماعی درون گروهی^۱ و نظریه تاب‌آوری، قابل تبیین است. خانواده به عنوان منبع اولیه امنیت عاطفی، انگیزش روانی و انسجام، در تقویت تاب‌آوری و در نتیجه امید فردی و جمعی نقش کلیدی دارد. جمع‌بندی مبانی نظری پژوهش حاضر، ترکیبی از رویکردهای فلسفی (رورتنی، هابرماس)، جامعه‌شناختی (پاتنام، بوردیو، اینگلهارت) و اجتماعی-کاربردی (تاب‌آوری اجتماعی) است. این ترکیب، تصویری چندبعدی و واقع‌گرا از امید اجتماعی در بستر ایران ارائه می‌دهد. به این ترتیب، پژوهش بر پایه چارچوب نظری منسجم و با رعایت پیوندهای دقیق نظری با مؤلفه‌های تجربی طراحی شده است.

اکثر تعاریف و نظریات در حوزه امید از سوی روانشناسان ارائه شده است. آنچه از امید در حوزه روانشناسی دریافت شد کم‌تر در دستیابی به اهداف پژوهش پیش‌رو کاربرد دارد. نهایتاً این مباحث می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به بحث امید اجتماعی باشد. از سوی دیگر بخش‌های مهمی از آموزه‌های دینی را مبحث امید تشکیل داده است که به دلیل ناکارآمدی در تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی به آن پرداخته نشده است، چراکه کار دین را باید به اصحابش سپرد.

مقوله امید از نظر فیلسوفان دور نمانده است. اصلی‌ترین نظریه‌پردازی که این مفهوم را مورد بررسی قرار داده است و مفهوم نوین امید اجتماعی را ساخته و پرداخته کرده است، ریچارد رورتنی فیلسوف عملگرای آمریکایی بود. آنچه نظر پژوهشگر را به این مفهوم جلب کرد پسوند اجتماعی آن بود که بعد از مطالعه مقدماتی روشن شد که امید اجتماعی به شدت فلسفی است، اما تدقیق بیشتر این مفهوم و مطالعات بیشتر نشان داد که می‌توان با الهام از نظرات فلسفی رورتنی تفسیری جامعه‌شناختی از آن ارائه کرد.

هر چند اوایل این کار آسان به نظر رسید اما در عمل با چالش‌های جدی روبه‌رو شد. از جمله اینکه هیچ کار تجربی در این زمینه انجام نشده بود و هیچ شاخصی یا مقوله‌ای که نشان‌دهنده امید

اجتماعی باشد به دست نیامد. بنابراین پژوهشگر ناچار به استفاده از نظریه زمینه‌ای برای واکاوی دقیق این مفهوم شد تا بتواند نظریه‌ای زمینه‌ای ارائه کند. نظرات رورتی و دیگر نویسندگانی که در مورد امید اجتماعی به نگارش مقاله یا کتاب دست زده بودند (حتی برخی منتقدان) می‌توانست به عنوان لنز نظری تحقیق مورد استفاده قرار گیرد. براین اساس نظرات آنان به کرات مورد مطالعه قرار گرفت و در نهایت مطالبی از لابه‌لای متون آنها بیرون کشیده شد که دقیقاً به امید اجتماعی پرداخته بودند و می‌توانست به عنوان پیش‌زمینه مطالعه نظریه زمینه‌ای قرار گیرد. نویسندگان داخلی نیز به مقوله امید اجتماعی پرداخته‌اند اما اکثر آنها تنها به تعریف امید اجتماعی پرداخته‌اند و نظریه‌ای در مورد آن ارائه نکرده‌اند. تعاریفی هم که از سوی نویسندگان داخلی ارائه شده است کم‌تر جامعیت مفهوم امید اجتماعی را در بر گرفته است. با اینکه بیشتر نویسندگان نظرات رورتی را به عنوان مبنا قرار داده‌اند اما تعاریف آنها کم‌تر به آنچه مد نظر رورتی است نزدیک شده است. اکثر این نویسندگان مفهوم امید اجتماعی را در سطح روان‌شناختی و فردی در نظر داشته‌اند و نه امید اجتماعی و برخی که مستقیماً به امید اجتماعی اشاره کرده‌اند، کم‌تر از نظر محتوا درکی از نظرات رورتی داشته‌اند.

باین حال به دلیل اینکه برخی از موارد مورد اشاره آنها یک یا دو مقوله از امید اجتماعی را به صورت آشکار یا ضمنی در خود داشته‌اند نگارنده تلاش دارد تا چکیده‌ای از کلیه نظرات فوق‌الذکر را البته با در نظر داشتن کارکرد آن برای این تحقیق به نگارش درآورد.

به اعتقاد براون^۱ (۲۰۰۳) مقوله امید آنچنان رونقی در میان مباحث اجتماعی یافته است که برخی با عنوان گفتمان امید از آن یاد کرده‌اند. گوریانیچ^۲ (۲۰۰۲) امید را فلسفه جدید برای تغییر اجتماعی دانسته است. هیچ^۳ (۲۰۰۳) یکی از ویژگی‌های امید را ظرفیتی برای تقویت کردن، دانسته است.

1. Brown

2. Goryanich

3. hage

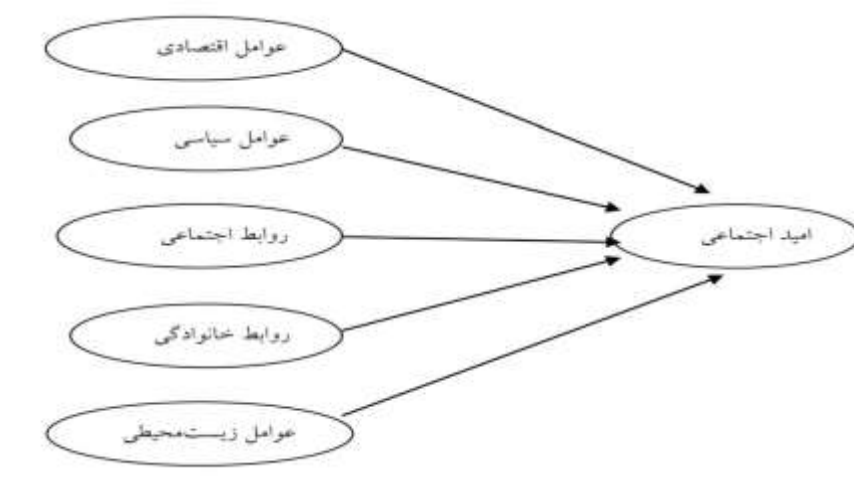
همانگونه که در سطور پیشین ذکر آن رفت امید اجتماعی مفهومی فلسفی است که اولین بار توسط ریچارد رورتی فیلسوف عملگرا در کتاب *فلسفه و امید اجتماعی* مطرح شد.

امید اجتماعی یکی از بنیان‌های مهم پویایی و انسجام اجتماعی در جوامع معاصر است. این مفهوم، ترکیبی از باور به امکان تغییر، اعتماد به ظرفیت کنش جمعی و چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده‌ای بهتر است. امید اجتماعی برخلاف امید فردی، صرفاً متکی بر ویژگی‌های روان‌شناختی یا هیجانی فرد نیست؛ بلکه مبتنی بر ارزیابی ذهنی افراد از وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و خانوادگی جامعه است. از نظر ریچارد رورتی، امید اجتماعی پروژه‌ای فرهنگی و جمعی برای ساختن آینده‌ای بهتر است. رورتی بر کنش‌پذیری انسان، مشارکت در طراحی مسیر آینده، و خلق روایت‌های دموکراتیک از آینده تأکید دارد. در این معنا، امید اجتماعی به مثابه یک ظرفیت اجتماعی برای تخیل جمعی، گفت‌وگوی عمومی و اقدام مشترک عمل می‌کند.

در این پژوهش، امید اجتماعی متغیر وابسته‌ای است که از پنج متغیر مستقل اصلی تأثیر می‌پذیرد. این پنج متغیر براساس یافته‌های میدانی پژوهش و همچنین اتکای نظری به نظریه‌های جامعه‌شناختی و فلسفی معتبر شناسایی شده‌اند: متغیر مستقل تبیین نظری وضعیت اقتصادی نظریه تحول ارزش‌ها (اینگلهارت) عوامل سیاسی نظریه رورتی و کنش ارتباطی هابرماس روابط اجتماعی نظریه سرمایه اجتماعی (پاتنام و بوردیو) عوامل زیست‌محیطی نظریه تاب‌آوری اجتماعی روابط خانوادگی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و تاب‌آوری روانی هر یک از این متغیرها، نقش واسطه‌ای یا زمینه‌ای در شکل‌گیری یا فرسایش امید اجتماعی دارند.

مدل نظری پژوهش بر مبنای رویکرد ساختاری شکل گرفته است. در این مدل، امید اجتماعی به‌عنوان متغیر نهایی تحت تأثیر پنج حوزه اصلی تحلیل قرار می‌گیرد: وضعیت اقتصادی؛ درآمد، اشتغال، رفاه نسبی، امنیت معیشتی. عوامل سیاسی؛ اعتماد نهادی، احساس مشارکت، درک از دموکراسی. روابط اجتماعی؛ کیفیت تعاملات اجتماعی، حمایت شبکه‌ای، احساس تعلق. عوامل زیست‌محیطی؛ کیفیت محیط زندگی، تهدیدات محیطی، احساس امنیت زیستی. روابط خانوادگی؛

انسجام خانوادگی، حمایت عاطفی، تعامل بین‌نسلی. این مدل، چارچوبی است که می‌تواند در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری نیز آزمون شود. داده‌های اولیه نیز برازش مناسب مدل را تأیید کرده‌اند. براساس نظریه‌ها، می‌توان مسیر تأثیرگذاری متغیرها را چنین تحلیل کرد: نظریه اینگلهارت به ما می‌گوید که وقتی امنیت اقتصادی بالا می‌رود، شهروندان از ارزش‌های بقا به سمت ارزش‌های تعالی (از جمله امید) حرکت می‌کنند. در نظریه رورتی، احساس مشارکت در روایت جمعی و امکان تأثیرگذاری سیاسی از منابع اصلی ایجاد امید اجتماعی‌اند. هابرماس با تمرکز بر کنش ارتباطی، بر نقش فضای عمومی و گفت‌وگوی دموکراتیک در تقویت احساس عاملیت تأکید می‌کند. پاتنام و بورديو نشان می‌دهند که پیوندهای اجتماعی و سرمایه ارتباطی، بستر روانی و فرهنگی امید را می‌سازند. نظریه تاب‌آوری اجتماعی خاطرنشان می‌کند که حتی در شرایط بحران، جامعه‌ای که اعتماد، پیوند و توان بازسازی داشته باشد، همچنان می‌تواند امید را حفظ کند. براساس آنچه گفته شد مدل نظری و فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

منبع: نگارندگان (۱۴۰۴)

۱.۲. فرضیات پژوهش

- ساختارهای کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی و خانواده بر سطح امید اجتماعی شهروندان تأثیر مستقیم و معنادار دارند.
- به نظر می‌رسد بین ساختار سیاسی ادراک شده کارآمدتر (با ابعادی مانند مردم‌سالاری، شفافیت-پاسخگویی، مبارزه با پارتی‌بازی-رانت، قانون‌مندی-حاکمیت قانون و...) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بهبود ساختار اقتصادی (با مؤلفه‌هایی نظیر رشد پایدار-ثبات، اشتغال-بیکاری پایین‌تر، کنترل تورم، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت اقتصادی خانوارها) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تقویت ساختار اجتماعی/فرهنگی (با مؤلفه‌هایی چون سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت اجتماعی/مدنی، انسجام و پذیرش اجتماعی) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بهبود شرایط زیست محیطی (کاهش بحران‌هایی مانند کم‌آبی، ریزگردها، آلودگی و مخاطرات محیطی و ارتقای حکمرانی محیط زیست) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین کارکرد حمایتی و توانمندساز خانواده (کارکردهای عاطفی/ارتباطی، حمایت مادی/معنوی، جامعه‌پذیری/انتقال ارزش‌های مشارکت و امید) و امید اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - همبستگی است. این پژوهش با رویکرد کمی انجام شده و از مدل‌سازی معادلات ساختاری برای تحلیل روابط میان متغیرهای

پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن شهر ایلام در سال ۱۴۰۴ با جمعیتی بالغ بر ۱۹۵ هزار نفر (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰)، است. از این جامعه، تعداد ۲۵۹ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۵۹ نفر از شهروندان شهر ایلام بود که از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، تنوع نسبتاً مناسبی را نشان می‌دادند. از نظر جنسیت، ۱۳۷ نفر (۵۲.۹ درصد) زن و ۱۲۲ نفر (۴۷.۱ درصد) مرد بودند. با توجه به استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، نیاز است که تعداد نمونه‌ها حداقل ۵ تا ۱۰ برابر تعداد شاخص‌های مدل باشد. در این پژوهش، با توجه به تعداد متغیرها و پیچیدگی روابط بین آن‌ها، انتخاب ۲۵۹ نفر نه تنها از نظر آماری معتبر است، بلکه با اصول روش‌شناختی تحلیل مدل‌های ساختاری نیز هم‌خوانی دارد (هیر و همکاران، ۲۰۲۱؛ کرجسی^۱ و مورگان^۲، ۱۹۷۱).

انتخاب نمونه‌ها با رعایت تنوع در سن، جنسیت و سطح تحصیلات انجام گرفت تا حداکثر تنوع جمعیت‌شناختی در داده‌ها رعایت شود. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده که براساس مبانی نظری و مطالعات پیشین طراحی شده است. این پرسشنامه شامل گویه‌هایی برای سنجش وضعیت اقتصادی، عوامل سیاسی، روابط اجتماعی، عوامل زیست‌محیطی و روابط خانوادگی است. سؤالات با استفاده از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تنظیم شده‌اند. اعتبار (روایی) ابزار برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه، از نظر خبرگان و اساتید دانشگاهی در حوزه علوم اجتماعی استفاده شد. اصلاحات لازم پس از دریافت بازخوردهای تخصصی در فرم نهایی پرسشنامه اعمال گردید. برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه در اختیار پنج نفر از اساتید حوزه علوم اجتماعی قرار گرفت و اصلاحات لازم در گویه‌ها اعمال شد. برای بررسی روایی سازه‌ای، از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) در نرم‌افزار PLS استفاده شد. نتایج نشان داد که تمام بارهای عاملی بیش از ۰.۵۰ و همه t -value‌های مرتبط بیش از ۱.۹۶ بودند که نشان‌دهنده روایی سازه‌ای مطلوب ابزار است.

1. Robert V. Krejcie

2. D. W. Morgan

برای ارزیابی روایی همگرا، شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) محاسبه شد که برای تمام سازه‌ها بالاتر از ۰.۵ به دست آمد. همچنین، برای بررسی روایی واگرا از معیار فورنل-لارکر استفاده شد و نتایج نشان داد که جذر AVE هر سازه بزرگ‌تر از همبستگی آن با سایر سازه‌هاست؛ بنابراین روایی واگرا تأیید شد. برای سنجش پایایی ابزار، علاوه بر آلفای کرونباخ، از پایایی ترکیبی (CR) نیز استفاده شد. نتایج نشان داد که آلفای کرونباخ سازه‌ها بین ۰.۷۲ تا ۰.۸۲ پایایی ترکیبی تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰.۷ بوده است؛ بنابراین ابزار پژوهش از پایایی مناسب برخوردار است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های توصیفی پژوهش و سپس نتایج تحلیل‌های آماری ارائه می‌شود. در خصوص توزیع سنی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال با ۱۰۹ نفر (۴۲.۱ درصد) بوده است؛ پس از آن، گروه زیر ۲۰ سال با ۶۲ نفر (۲۳.۹ درصد)، گروه ۳۱ تا ۴۰ سال با ۵۳ نفر (۲۰.۵ درصد) و در نهایت گروه ۴۱ تا ۵۰ سال با ۳۵ نفر (۱۳.۵ درصد) قرار داشتند. این داده‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از پاسخ‌گویان را جمعیت جوان تشکیل داده‌اند. از نظر سطح تحصیلات، بیش از نیمی از نمونه، یعنی ۱۴۷ نفر (۵۶.۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی بودند؛ همچنین ۷۲ نفر (۲۷.۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی‌ارشد، ۲۸ نفر (۱۰.۸ درصد) دارای دیپلم یا کمتر، و ۱۲ نفر (۴.۶ درصد) دارای مدرک دکتری یا بالاتر بوده‌اند. این ترکیب تحصیلی نشان‌دهنده غلبه افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در نمونه پژوهش است.

جدول ۱. داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

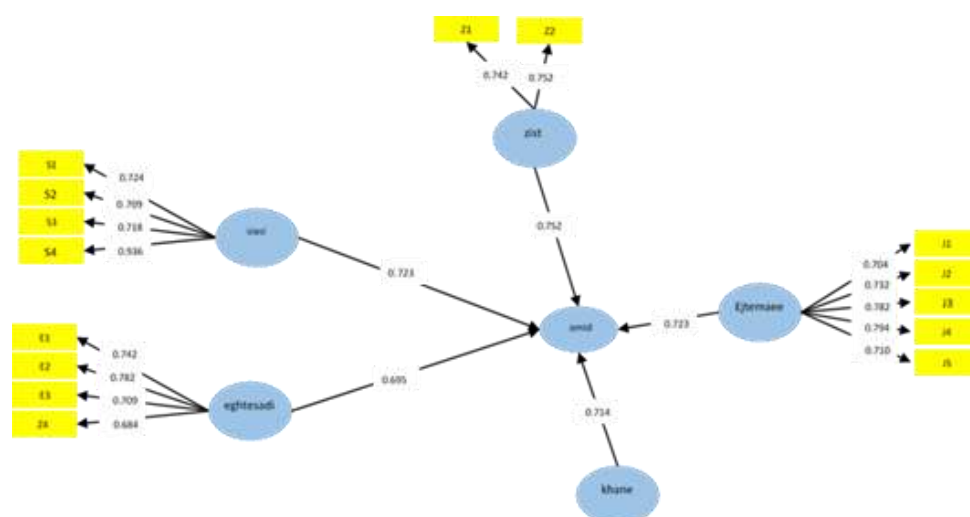
منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سیاسی	۲/۷۲	۰/۵۳۳
اقتصادی	۳/۸۳	۰/۴۲۸

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
اجتماعی	۳/۱۸	۰/۴۳۶
زیست محیطی	۳/۵۸	۰/۵۰۸
خانواده	۳/۹۲	۰/۵۷۰
مردم سالاری	۲/۳۴	۱/۱۱
پارتنری بازی	۲/۳۲	۰/۷۱۱
استبداد سیاسی	۲/۶۰	۱/۰۴
ناپایداری سیاسی	۲/۶۴	۰/۶۹۴
بیکاری	۳/۹۲	۰/۷۷۷
تورم	۴/۲۲	۰/۷۲۷
رشد اقتصادی پایدار	۳/۰۳	۰/۷۱۵
فساد اقتصادی	۴/۲۱	۰/۶۹۲
هنگامهای اجتماعی	۳/۴۹	۰/۵۷۳
سرمایه اجتماعی	۳/۸۰	۰/۸۲۳
انحراف اجتماعی	۳/۷۷	۰/۷۵۵
خشونت	۴/۰۲	۰/۷۲۲
دینداری	۲/۶۴	۰/۶۹۲
شادی	۱/۷۶	۰/۹۳۶
مسئله آب	۱/۸۳	۰/۹۵۶
ریزگردها	۳/۰۸	۰/۸۱۶
بحران های زیست محیطی	۳/۵۱	۰/۵۰۵

در جدول فوق میانگین و انحراف استاندارد به دست آمده برای هریک از مؤلفه‌ها و متغیرهایی که نشان از امید اجتماعی و بالا یا پایین بودن آن در بین افراد جامعه بوده است، بیان شده است. همانطور که از نتایج پیداست، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و خانواده بالاتر از میانگین فرضی قرار دارد که نشان از اهمیت بالای آنها در میزان

امید اجتماعی در بین افراد را دارد. از بین مؤلفه‌ها نیز آن‌طور که پیداست با توجه به میانگین به دست آمده برای بیکاری، تورم، انحرافات اجتماعی، خشونت، رشد اقتصادی، ریزگردها و بحران‌های زیست‌محیطی باید بیان نمود که این مؤلفه‌ها از عوامل مهم و زیربنایی برای مسئله امید اجتماعی در بین جامعه به شمار می‌روند که نشان داده‌اند که این مسائل در سطح جامعه ایران تا چه میزان در موارد منفی بالا و در موارد مثبت پایین بوده است.



شکل ۲. مدل ساختاری امید اجتماعی و مؤلفه‌های آن

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. براساس جدول ۳ مقاله، سطح معناداری برای همه متغیرها بیشتر از ۰.۰۵ به دست آمد. این نشان‌دهنده آن است که داده‌های پژوهش دارای توزیع نرمال هستند و بنابراین می‌توان از روش‌های آماری پارامتریک مانند تحلیل مسیر در مدل معادلات ساختاری استفاده کرد.

درخصوص شاخص‌های برازش الگو نیز این نتایج به‌دست آمده است: پس از حذف خطاهای کوواریانس، بررسی شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهند که مدل از برازش خوبی برخوردار است. نسبت خي دو به درجه آزادی ۲/۲۵ است. مقدار جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۴ است. سایر شاخص‌های برازندگی مانند شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFA) نیز به‌ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۱ به‌دست آمد که بعد جذب را تأیید می‌کنند.

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

شاخص برازندگی	دامنه قابل پذیرش	میزان بدست آمده
خی دو	-	۱/۲۴
سطح معنی داری	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۰۱
نسبت خي دو به درجه آزادی	کمتر از ۳	۲/۲۵
RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۴
GFI	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۳
AGFA	بزرگتر از ۰/۹	۰/۹۱

جدول ۳. آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

متغیر	آلفای کرونباخ
سیاسی	۰/۷۵
اقتصادی	۰/۸۲
اجتماعی	۰/۸۰
زیست محیطی	۰/۷۹
خانواده	۰/۷۲

جدول ۴. روایی همگرا (AVE) و پایایی ترکیبی (CR) متغیرهای پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

متغیر	AVE	CR
سیاسی	۰.۸۵	۰.۷۳
اقتصادی	۰.۸۱	۰.۷۸
اجتماعی	۰.۹۰	۰.۷۵
زیست محیطی	۰.۸۴	۰.۷۷
خانواده	۰.۶۰	۰.۸۸

به منظور بررسی روایی سازه‌ای پرسشنامه، تحلیل عاملی تأییدی برای هر یک از ابعاد اصلی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و خانوادگی) انجام شد. نتایج نشان داد که تمامی گویه‌ها بار عاملی بالاتر از ۰.۵۰ دارند و مقادیر t-value نیز همگی بیشتر از ۱.۹۶ هستند؛ بنابراین گویه‌ها توانایی تبیین سازه‌های مربوطه را دارند.

شاخص‌های AVE برای تمام سازه‌ها بزرگ‌تر از ۰.۵ و مقادیر پایایی ترکیبی (CR) نیز بزرگ‌تر از ۰.۷ بودند که روایی همگرا و پایایی سازه‌ها را تأیید می‌کنند. همچنین، مطابق معیار فورنل-لارکر، مقدار جذر AVE هر سازه از همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها بیشتر بود و روایی واگرا به طور کامل مورد تأیید قرار گرفت.

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری نشان‌دهنده این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

۴.۱. تحلیل مسیر و آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون روابط میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته «امید اجتماعی»، از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار PLS استفاده شد. براساس یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر و جدول ضرایب استاندارد، پنج متغیر مستقل شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و

خانوادگی به‌طور معناداری بر امید اجتماعی تأثیر داشته‌اند. ضریب تأثیر عوامل اقتصادی برابر با $\gamma = 0.22$ سطح معناداری آن کمتر از 0.001 به‌دست آمد. این رابطه مثبت و معنادار بیانگر آن است که ادراک مثبت‌تر از وضعیت اقتصادی (درآمد، اشتغال و رفاه نسبی) با سطح بالاتری از امید اجتماعی همراه است. این یافته با نظریه تحول ارزش‌های اینگلهارت، مبنی بر پیوند میان امنیت اقتصادی و ارزش‌های تعالی، هم‌راستا است. عوامل سیاسی نیز با ضریب $\gamma = 0.15$ و سطح معناداری کمتر از 0.001 تأثیر معناداری بر امید اجتماعی داشتند، هرچند این تأثیر در مقایسه با سایر متغیرها ضعیف‌تر بود. این یافته نشان می‌دهد که احساس مشارکت، اعتماد به نهادها و ادراک عدالت سیاسی نقشی مؤثر ولی محدود در تبیین امید اجتماعی ایفا می‌کنند که با نظریه‌های رورتی و هابرماس در خصوص اهمیت مشارکت سیاسی و فضای عمومی گفت‌وگو محور مطابقت دارد. در مقابل، عوامل اجتماعی با ضریب $\gamma = 0.28$ بیشترین تأثیر را بر امید اجتماعی نشان دادند. این امر تأکید می‌کند که کیفیت پیوندهای اجتماعی، میزان اعتماد متقابل، احساس تعلق و مشارکت مدنی مهم‌ترین عوامل در ساختار امید اجتماعی هستند؛ یافته‌ای که به‌طور کامل با نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و بورديو قابل تبیین است. از سوی دیگر، عوامل زیست‌محیطی نیز با ضریب $\gamma = 0.19$ و سطح معناداری کمتر از 0.001 تأثیر مثبت و معناداری بر امید اجتماعی داشتند. به‌بیان دیگر، ارزیابی شهروندان از کیفیت زیست‌محیطی، نظیر هوا، منابع طبیعی و تهدیدات اقلیمی، بر نگرش آن‌ها نسبت به آینده مؤثر است و از این منظر، نظریه تاب‌آوری اجتماعی چارچوب مناسبی برای تفسیر این یافته فراهم می‌سازد. نهایتاً، عوامل خانوادگی نیز با ضریب $\gamma = 0.21$ و سطح معناداری کمتر از 0.001 تأثیر معناداری بر امید اجتماعی داشتند. این رابطه نشان می‌دهد که حمایت‌های عاطفی، انسجام خانوادگی و تعاملات بین‌نسلی می‌توانند به‌عنوان منابع تاب‌آور روانی، نقش کلیدی در تقویت امید اجتماعی ایفا کنند. این یافته در چهارچوب نظریه سرمایه اجتماعی درون‌گروهي و ادبیات مربوط به تاب‌آوری فردی و خانوادگی قابل تحلیل است. به‌طور کلی، تحلیل مسیر نشان می‌دهد که همه متغیرهای مستقل مورد

بررسی، براساس مدل نظری پژوهش، رابطه‌ای مثبت و معنادار با امید اجتماعی دارند، هرچند شدت این اثر در میان عوامل مختلف متفاوت است.

۲.۴. آزمون فرضیه‌ها

جدول ۵. آزمون فرضیه‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش (۱۴۰۴)

قدرت تأثیر نسبی	نتیجه آزمون	سطح معناداری (p)	ضریب مسیر (β)	متغیر مستقل
متوسط	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۲۲.۰	عوامل اقتصادی
ضعیف	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۱۵.۰	عوامل سیاسی
قوی	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۲۸.۰	عوامل اجتماعی
نسبتاً متوسط	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۱۹.۰	عوامل زیست‌محیطی
متوسط	تأیید شد	۰۰۱.۰<	۲۱.۰	عوامل خانوادگی

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که همه متغیرهای در نظر گرفته شده در مدل مفهومی، به صورت معناداری بر امید اجتماعی تأثیر دارند. در این میان، عوامل اجتماعی بیشترین اثر را داشته‌اند که نشان‌دهنده اهمیت نقش شبکه‌های اجتماعی، مشارکت مدنی، اعتماد بین فردی و پیوندهای اجتماعی در تقویت روحیه امید در جامعه است. عوامل اقتصادی و روابط خانوادگی نیز به عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر امید اجتماعی ظاهر شده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که امنیت معیشتی و حمایت روانی و عاطفی خانواده دو ستون مهم در بازتولید امید در شرایط بحرانی هستند. تأثیر مثبت عوامل زیست‌محیطی نیز حائز اهمیت است؛ یعنی شهروندان نسبت به بحران‌های زیستی حساس‌اند و آن‌ها را مرتبط با آینده زندگی خود می‌دانند. در نهایت، اگرچه عوامل سیاسی ضعیف‌ترین تأثیر را در میان متغیرها داشته‌اند، اما اثر آن‌ها معنادار است. این نشان می‌دهد که مشروعیت نهادها، شفافیت سیاسی و حس مشارکت شهروندی، اگرچه کم‌رنگ‌تر از سایر عوامل، اما همچنان نقش دارند و

بی‌توجهی به آنها موجب فرسایش امید خواهد شد. یافته‌ها به‌خوبی با چارچوب نظری پژوهش هماهنگ‌اند. با نظریه پاتنام و بوردیو در تأکید بر سرمایه اجتماعی با اینگلهارت در رابطه بین رفاه اقتصادی و ارزش‌های تعالی، با رورتی و هابرماس درباره نقش سیاست و مشارکت و با نظریه تاب‌آوری اجتماعی در تبیین تأثیر محیط و خانواده، بر امید اجتماعی مطابقت دارند و به طراحی مداخلات اجتماعی، فرهنگی و سیاست‌گذارانه برای تقویت امید اجتماعی در بستر شهری ایران، به‌ویژه در شهر ایلام، کمک می‌کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر امید اجتماعی در جامعه ایرانی، با تمرکز بر شهر ایلام، انجام گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که امید اجتماعی در میان افراد مورد بررسی، در سطحی کمتر از انتظار قرار دارد. این مسئله نه پدیده‌ای دفعی، بلکه حاصل روندی انباشته از فرسایش اعتماد عمومی، ضعف در کارآمدی نهادهای رسمی، تنزل سرمایه اجتماعی و بروز ناپایداری‌های اقتصادی و زیست‌محیطی است. در چنین شرایطی، امید اجتماعی دیگر تنها یک سازه روان‌شناختی یا فردی محسوب نمی‌شود، بلکه به مسئله‌ای بنیادین در ساحت جامعه‌شناختی، سیاسی و حتی امنیت اجتماعی بدل شده است. کاهش امید می‌تواند پیامدهایی همچون کناره‌گیری مدنی، تمایل به مهاجرت، بی‌تفاوتی سیاسی، فرار نخبگان، و گسترش اضطراب جمعی را در پی داشته باشد. این پیامدها نیازمند توجه فوری و علمی در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری هستند. از منظر نظری، تحلیل یافته‌ها نشان داد که امید اجتماعی در جامعه ایران ترکیبی از سازوکارهای ساختاری و ادراکات فردی است. همان‌طور که در مبانی نظری اشاره شد، نظریه‌های پاتنام و بوردیو در خصوص سرمایه اجتماعی، نظریه تغییر ارزش‌های اینگلهارت، دیدگاه رورتی درباره امید لیبرال، نظریه گفت‌وگوی هابرماس و همچنین نظریه تاب‌آوری اجتماعی، همگی اجزائی از این سازوکار چندبعدی را توضیح می‌دهند. داده‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مدل معادلات ساختاری در این تحقیق،

به‌خوبی با این مبانی نظری مطابقت دارد و اعتبار نظری مدل پیشنهادی را تأیید می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که همه متغیرهای در نظر گرفته‌شده (عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و زیست‌محیطی) تأثیر مثبت و معناداری بر امید اجتماعی دارند. این نتایج در چند سطح با مطالعات پیشین قابل مقایسه و تأیید هستند. از میان پنج متغیر بررسی‌شده، عوامل اجتماعی با ضریب تأثیر بالا، بیشترین نقش را در تبیین امید اجتماعی ایفا می‌کنند. این متغیر شامل مؤلفه‌هایی چون پیوندهای میان‌فردی، مشارکت مدنی، احساس تعلق به جامعه و اعتماد اجتماعی بود. نقش محوری روابط اجتماعی در شکل‌گیری امید اجتماعی که در این پژوهش با ضریب تأثیر بالاتر از سایر عوامل تأیید شد، به‌روشنی با نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام (۲۰۰۱) و تفسیر بوردیو از نابرابری در دسترسی به شبکه‌های حمایتی هم‌راستا است؛ جایی که جامعه‌ای با سطح بالای مشارکت مدنی و ارتباطات اجتماعی منسجم، بستر مساعدتری برای شکل‌گیری چشم‌انداز جمعی و امید به آینده دارد. این یافته همچنین با نتایج پژوهش‌های داخلی همچون فاضلی (۱۳۹۸) و مختار و همکاران (۱۴۰۲) که بر اهمیت پیوندهای اجتماعی و احساس تعلق در بازتولید امید تأکید داشتند، سازگاری دارد. در بافت شهری مانند ایلام که بخشی از آن هنوز از انسجام قومی، محلی و فرهنگی برخوردار است، ظرفیت سرمایه اجتماعی سنتی هنوز حفظ شده و می‌تواند عاملی برای احیای امید تلقی شود. در رتبه دوم، عوامل اقتصادی قرار دارند. یافته‌ها نشان دادند که ادراک مثبت از وضعیت معیشتی، احساس ثبات شغلی، و امکان بهبود درآمد، تأثیر مستقیم بر سطح امید اجتماعی دارند. نقش عوامل اقتصادی به‌ویژه اشتغال، رفاه نسبی و ادراک از آینده اقتصادی، در پژوهش حاضر تأثیر قابل توجهی بر امید اجتماعی داشته است. این یافته در هماهنگی کامل با نظریه تغییر ارزش‌های اینگلهارت (۱۹۹۷)، در مورد پیوند بین امنیت اقتصادی و ارزش‌های فرامادی مانند امید و مشارکت همخوان است که پیوند توسعه اقتصادی با خودابرازی، ارزش‌های انسانی و مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند. همچنین، یافته‌های پژوهش عبدالهی (۱۳۹۹) درباره رابطه بین وضعیت اقتصادی و امید به آینده، تأییدی بر همین مسیر علی هستند. در شرایطی که جامعه با بی‌ثباتی اقتصادی، تورم، بیکاری، و نبود

فرصت‌های عادلانه اقتصادی مواجه است، احساس بی‌افقی آینده و ناامیدی، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین، سیاست‌گذاری اقتصادی باید نه فقط به دنبال بهبود شاخص‌های کلان، بلکه به دنبال ترمیم حس امید در میان گروه‌های متوسط و فرودست نیز باشد. در رتبه سوم، عوامل خانوادگی تأثیر قابل توجهی نشان دادند. این عامل، مشتمل بر انسجام خانوادگی، روابط بین‌نسلی، احساس حمایت روانی و امنیت عاطفی بود. یافته‌ها حاکی از آن بودند که خانواده نقش جبرانی مهمی در برابر بی‌ثباتی‌های بیرونی ایفا می‌کند. این مؤلفه با نظریه‌های تاب‌آوری فردی و درون‌گروهی و همچنین نظریه سرمایه اجتماعی خانگی بوردیو، مطابقت دارد. تأثیر عوامل خانوادگی که در این مطالعه نسبتاً قوی ارزیابی شده است که با دیدگاه‌های موجود درباره نقش خانواده به عنوان منبع سرمایه روانی و عاطفی در دوره‌های بحران اجتماعی منطبق است. مطالعاتی مانند امیری اسفراجانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز تأکید داشته‌اند که انسجام خانوادگی در شرایط بی‌ثباتی اجتماعی، نقش مهمی در حفظ امید ایفا می‌کند. در جامعه‌ای که نهادهای رسمی به‌درستی عمل نمی‌کنند، خانواده به عنوان پناهگاه روانی و اخلاقی، می‌تواند نقش مهمی در بازتولید امید فردی و اجتماعی داشته باشد. چهارمین عاملی که در تحلیل معادلات ساختاری تأثیر معنادار و مثبتی بر امید اجتماعی داشت، عوامل زیست‌محیطی بود. این متغیر شامل ادراک شهروندان از کیفیت هوا، منابع طبیعی، بحران‌های اقلیمی و امنیت زیستی است. یافته‌ها نشان دادند که احساس ناامنی زیست‌محیطی، به‌ویژه در مناطق مستعد بحران مانند ایلام که با پدیده‌هایی چون خشکسالی، کم‌آبی، فرسایش خاک و ریزگردها مواجه است، می‌تواند تأثیر منفی جدی بر افق روانی شهروندان داشته باشد. درواقع، رابطه‌ای مستقیم میان زیست‌پذیری محیط و چشم‌انداز جمعی مردم وجود دارد. این یافته را می‌توان در پرتو نظریه تاب‌آوری اجتماعی تبیین کرد: جوامعی که در برابر تهدیدات محیطی تاب‌آور نیستند، نه تنها از نظر فیزیکی آسیب‌پذیرتر می‌شوند، بلکه در سطح روانی نیز حس کنترل و عاملیت خود را از دست می‌دهند که این امر خود یکی از بنیان‌های اصلی فرسایش امید است. نقش عوامل زیست‌محیطی در

امید اجتماعی که در این پژوهش با ضریب معنادار گزارش شده، یافته‌ای نسبتاً نو در ادبیات داخلی است، اما با چارچوب نظری تاب‌آوری اجتماعی (نوریس و همکاران، ۲۰۰۸) هم‌خوانی دارد. پژوهش مکوندی و بهزادی (۱۴۰۰) نیز به‌طور خاص نشان داده بود که احساس ناامنی محیط‌زیستی می‌تواند بر کیفیت زندگی روانی و نگرش مردم نسبت به آینده اثر منفی بگذارد. در نهایت، عوامل سیاسی نیز اگرچه از نظر آماری معنادار شناخته شدند، اما ضریب تأثیر آن‌ها از سایر متغیرها پایین‌تر بود. این مسئله، به‌وضوح بیانگر نوعی شکاف میان مردم و نظام‌های حکمرانی در ایران است. مؤلفه‌هایی مانند اعتماد به نهادهای رسمی، احساس مشارکت سیاسی، عدالت ادراک‌شده و امکان تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری، در پژوهش حاضر نتوانستند تأثیری برابر با متغیرهای اجتماعی یا اقتصادی بر امید اجتماعی برجای گذارند. این نتیجه با مبانی نظری هابرماس دربارهٔ گفت‌وگوی عمومی و کش ارتباطی و همچنین دیدگاه رورتی دربارهٔ ضرورت وجود روایت‌های جمعی از آینده بهتر، در تضاد قرار دارد؛ چراکه اگر نهادهای سیاسی قادر به تولید زبان مشترک با مردم نباشند، مشروعیت آن‌ها به تدریج کاهش یافته و قدرتشان برای ساخت افق مشترک آینده تضعیف می‌شود. تأثیر عوامل سیاسی گرچه ضعیف‌تر از سایر متغیرها بوده، اما همچنان معنادار گزارش شده است. این یافته با دیدگاه‌های رورتی (۲۰۰۰) و هابرماس دربارهٔ اهمیت مشارکت سیاسی و گفت‌وگوی عمومی در ایجاد امید اجتماعی مطابقت دارد. با این حال، همان‌طور که پژوهش‌های طاهری‌دمنه و کاظمی (۱۳۹۹) نیز نشان داده‌اند، احساس ناتوانی در مشارکت سیاسی و نبود زبان مشترک میان مردم و نهادهای حاکمیتی، منجر به تضعیف امید سیاسی در جامعه می‌شود. در تحلیل انتقادی این یافته، می‌توان گفت که امید اجتماعی در جامعه مورد بررسی، بیش از آنکه بر نهادهای رسمی یا ساختار سیاسی تکیه داشته باشد، از مسیرهای غیردولتی و غیرنهادی مانند روابط میان‌فردی، ساختار خانواده و تجربه‌های زیستهٔ اقتصادی بازتولید می‌شود. این نوع از «امید انفرادی» یا «امید غیررسمی» اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند به بقای اجتماعی کمک کند، اما در بلندمدت، اگر با احیای سرمایهٔ سیاسی و مشروعیت نهادی همراه نشود، نمی‌تواند انسجام اجتماعی پایدار را تضمین کند.

بر پایه تحلیل‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که امید اجتماعی در جامعه‌ای مانند ایران، ترکیبی پیچیده از عوامل خرد، میانه و کلان است؛ یعنی از یک سو با تجربه‌های روزمره افراد در خانه، محل کار و محله گره خورده و از سوی دیگر، به تصمیمات کلان سیاسی، وضعیت اقتصادی و ساختارهای کلان اجتماعی وابسته است. پژوهش حاضر نشان داد که در شرایط تضعیف نهادهای رسمی و فرسایش مشروعیت سیاسی، جامعه برای بقای روانی و انگیزشی خود به منابع غیررسمی متوسل می‌شود؛ منابعی مانند خانواده، دوستان، شبکه‌های اجتماعی محلی یا حتی باورهای فرهنگی و مذهبی. اما چنین وضعیتی در بلندمدت پایدار نیست. امید اجتماعی، برخلاف تصور برخی که آن را صرفاً نگرشی فردی یا روانی می‌دانند، عمیقاً وابسته به ساختارهای عینی و نهادهای میانجی جامعه است. اگر مردم احساس کنند که آینده به کلی از اختیار آن‌ها خارج است، مشارکت خود را در ساختن آن از دست می‌دهند. در چنین شرایطی، ناامیدی نه فقط به افسردگی فردی، بلکه به سستی در سرمایه اجتماعی، کاهش مشارکت سیاسی و در نهایت، تهدیدی برای پایداری اجتماعی و امنیت ملی بدل می‌شود. در نتیجه، یافته‌های این تحقیق می‌تواند مبنایی برای تدوین برنامه‌های سیاستی و طراحی مداخلات چندلایه قرار گیرد. برای مثال در سطح فردی و خانوادگی، باید از نهادهایی چون آموزش و پرورش و رسانه‌های عمومی برای آموزش مهارت‌های تاب‌آوری، ارتقاء سواد روانی و تقویت ارتباطات مثبت بهره برد. در سطح اجتماعی، نهادهای مدنی، سمن‌ها و انجمن‌های محلی باید تقویت شوند تا امکان مشارکت شهروندان در امور جامعه افزایش یابد و حس عاملیت اجتماعی بازسازی شود. در سطح سیاسی و نهادی، مهم‌ترین گام، بازسازی اعتماد عمومی از طریق شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت در سیاست‌گذاری و گشودن فضاهای گفت‌وگو با مردم است. بدون بازگشت به مردم، نمی‌توان آینده‌ای امیدبخش ساخت.

نتایج این پژوهش نشان داد که امید اجتماعی در جامعه امروز ایران، به‌ویژه در بافت شهری مانند ایلام، نه یک متغیر صرفاً روانی یا فرهنگی، بلکه یک شاخص چندوجهی از سلامت اجتماعی،

مشروعیت نهادی، تاب‌آوری زیستی و پیوندهای انسانی است. امید اجتماعی در چنین بستری، هم از ساختارهای کلان اقتصادی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد و هم از تجربه‌های روزمره در خانواده، محله، شغل و محیط زیست. ترکیب این عوامل در قالب یک مدل تحلیلی، نشان داد که اگرچه همه متغیرهای پنج‌گانه بر امید اجتماعی تأثیرگذارند، اما شدت این تأثیرات متفاوت و دربردارنده پیامدهایی نظری، کاربردی و سیاست‌گذارانه است. پژوهش حاضر از این جهت دارای اهمیت نظری است که توانسته با بهره‌گیری از چندین نظریه بنیادین، از جمله سرمایه اجتماعی بورديو و پاتنام، تحول ارزش‌های اینگلهارت، امید اجتماعی رورتی، کنش ارتباطی هابرماس و نظریه تاب‌آوری، مدلی مفهومی و بومی برای تحلیل امید اجتماعی در بستر ایران طراحی و آزمون کند. ترکیب این نظریات در یک الگوی تحلیلی، نه تنها انسجام تئوریک تحقیق را تقویت می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که امید در ایران امروز، همچون یک سیستم، از تعامل عناصر خرد و کلان و رسمی و غیررسمی ساخته می‌شود. این تحلیل نظری می‌تواند مبنایی برای بازاندیشی در مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی و کارآمدی سیاسی باشد. از منظر کاربردی نیز نتایج پژوهش می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باشد. براساس یافته‌ها، برنامه‌های بازسازی امید اجتماعی باید چندلایه و بین‌رشته‌ای باشند؛ از تقویت روابط خانوادگی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و احساسی در مدارس، بازآفرینی فضاهای شهری برای تعامل اجتماعی تا اصلاح سیاست‌های اقتصادی، بهبود عدالت توزیعی، بازسازی اعتماد سیاسی و حکمرانی مشارکتی. نهادهای واسطه مانند رسانه‌ها، سمن‌ها، شوراهای شهری و حتی مراکز مذهبی می‌توانند با طراحی مداخلات کوچک اما مؤثر، نقش فعالی در برانگیختن امید ایفا کنند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش از نظر نظری با مدل‌های کلاسیک سرمایه اجتماعی، تحول ارزش‌ها، تاب‌آوری و مشارکت دموکراتیک، از نظر تجربی با اغلب مطالعات داخلی در دهه اخیر همخوانی دارند، اما با افزودن متغیرهای زیست‌محیطی و استفاده از مدل‌سازی ساختاری، گامی فراتر در تحلیل علی امید اجتماعی برداشته‌اند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی)، و در مقیاس‌های مختلف (محلی، منطقه‌ای، ملی) انجام

شوند. به‌ویژه تحلیل روایت‌های زیسته افراد درباره آینده، مطالعات تطبیقی میان اقوام یا گروه‌های سنی، و تحلیل روندهای بلندمدت تحول امید اجتماعی، می‌تواند تصویر عمیق‌تری از پویایی این مفهوم ارائه دهد. همچنین بررسی نقش رسانه‌های دیجیتال، فناوری‌های نوین و تحولات فرهنگی نوظهور در بازسازی یا فرسایش امید اجتماعی در ایران، از موضوعات مهمی است که نیازمند پژوهش‌های جدی‌تر و آینده‌پژوهانه است.

کتابنامه

۱. ارغندی، ع؛ و خضری، م. (۱۳۹۵). بررسی میزان سازگاری الگوی تحول فرهنگی اینگلهارت در ایران (براساس شاخص‌های مادی/فرامادی). *مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۷ (۲۸)، ۲۷-۱.
۲. امیدی، م. (۱۴۰۰). سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله امید؛ مطالعه ارزیابی جامعه از آینده در پیمایش‌های ملی دهه ۱۳۹۰. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۱ (۲۷)، ۶۴-۲۹.
۳. امیری‌اسفرجانی، ز؛ هاشمیان‌فر، س. ع؛ و قاسمی، و. (۱۳۹۸). کاوش در امید اجتماعی: نظریه‌ای داده‌بنیاد. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰ (۱)، ۵۱-۲۷.
۴. خانیکی، ه. (۱۳۹۸). *امید اجتماعی (چیستی، وضعیت و سبب‌شناسی)*. چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. رورتنی، ر. (۱۴۰۰). *فلسفه و امید اجتماعی*. (آذرننگ. ع؛ و نادری. ن، مترجمان). چاپ ششم. تهران: نشر نی.
۶. رفیعی، ح؛ ستاره‌فروزان، آ؛ و احمدی، س. (۱۴۰۱). مشکلات اجتماعی تهدیدکننده سلامت اجتماعی و دارای اولویت در ایران. *فصلنامه پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۲ (۳)، ۱۹۵-۱۷۱.
۷. صادقی، ر؛ غفاری، غ؛ و رضایی، م. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت از ایران. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۴ (۲)، ۱۰۸-۸۳.
۸. طاهری‌دمنه، م. (۱۳۹۹). خوانشی آینده‌پژوهانه از پروبلماتیک امید اجتماعی در ایران. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۹ (۳)، شماره پیاپی ۳۰، ۴۹-۸۰.

۹. عبدالحی، ع. (۱۳۹۹). بررسی عوامل جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر امید به آینده در شهر تهران. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۶(۱)، ۳۱۵-۳۴۲.
۱۰. فاضلی، م. (۱۳۹۸). *امید اجتماعی، دولت فروتن و موفقیت‌های کوچک. در امید اجتماعی: چیستی، وضعیت و سبب‌شناسی (۵۵۷-۵۶۲)*. خانیکی، ه. و همکاران (ویراستاران). چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۱. فرخ‌نژادکشی، د؛ محمدی، ا؛ و حقیقتیان، م. (۱۳۹۷). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در امید به آینده حاشیه‌نشینان تبریز. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۹(۲۹)، ۷۹-۱۰۲.
۱۲. کلانتری، ح؛ افشانی، س. ع؛ اسلامی، ح؛ و اسلامی، س. (۱۴۰۳). طراحی الگوی مطلوب نقش رسانه ملی در ایجاد امید اجتماعی. *مجله مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه*، ۷(۳)، ۱۷۹-۲۰۶.
۱۳. مختار، ج؛ حقیقتیان، م؛ و چیت‌ساز، م. (۱۴۰۲). دوگانه امید و یأس اجتماعی در دولت دوازدهم: بررسی عوامل، زمینه و پیامدها. *فصلنامه تغییرات اجتماعی-فرهنگی*، ۲۰(۷۶)، ۲۹-۵۳.
۱۴. مرادی، ع؛ و صفاریان، م. (۱۳۹۸). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی‌تفاوتی: مورد مطالعه شهر کرمانشاه. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۸(۱)، ۱۵۹-۱۸۹.
۱۵. مکنونی، ف؛ و بهزادی، ع. (۱۴۰۰). بازآفرینی امید اجتماعی با بهره‌گیری از الگوی حکمرانی جامع. *فصلنامه تعالی منابع انسانی*، ۲(۲)، ۱۸-۴۰.
۱۶. هابرماس، ی. (۱۳۸۳). *نظریه کنش ارتباطی*. (پولادی، ک، مترجم). تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

17. Andrew, J. (2007). Political culture and regime support in Asia. *Paper for the on prospects for political reform at the conference the future of U.S.-China panel relations*. U.S.-China Institute.
18. Blake, J., & Norton, C. L. (2019). Examining the relationship between hope and attachment: A meta-analysis. *Psychology*, 5, 556-505.
19. Brown, G. (2015). The revolt of aspirations: Contesting neoliberal social hope. *An International Journal for Critical Geographies*, 12(3), 419-430.
<https://doi.org/10.14288/acme.v12i3.970>

20. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education*. New York: Greenwood, 241–258.
21. Goryanich, M. Y. (2017). *Futurology: The philosophy of the future*. Ivano-Frankivsk: Lilia-NW, 540 p.
22. Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2021). *A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)* (3rd ed.). Sage Publications.
23. Inglehart, R. (1997). Modernization and postmodernization: Cultural, economic, and political change in 43 societies. Princeton University Press.
24. Knutsen, C. (2020). Investigating the Lee thesis: How bad is democracy for Asian economies? *European Political Science Review*, 2(3), 451–473
25. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30(3), 607–610.
<https://doi.org/10.1177/001316447003000308>
26. Marek, K. (2003). Agents, spectators, and social hope: Richard Rorty and American intellectuals. *A Journal of Social and Political Theory*, No. 101, 25–48.
<https://www.jstor.org/stable/4180222>
27. Masiuk, O. (2019). Hope as a means of social identity. *Grani*, 22, 16–22.
<https://doi.org/10.15421/171917>
28. McClement, S., & Chochinov, H. M. (2018). Hope in advanced cancer patients. *European Journal of Cancer*, 44, 1169–1174.
29. Morgan, M. (2016). The responsibility for social hope. *Thesis Eleven*, 136(1), 107–123. <https://doi.org/10.1177/0725513616647574>
30. Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American Journal of Community Psychology*, 41(1–2), 127–150. <https://doi.org/10.1007/s10464-007-9156-6>
31. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
32. Rorty, R. (1999). *Social hope*. Cambridge: Cambridge University Press.
33. Rorty, R. (2000). *Philosophy and social hope*. Penguin Books.
34. Schneiderhan, E. (2013). Rorty, Addams, and social hope. *Humanities*, 2(3), 421–438.
35. Slaughter, R. A. (2008). Integral futures methodologies. *Futures*, 40(2), 36–47.
36. Zournazi, M. (2002). *Hope: New philosophies for change*. London Routledge.